

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH24R840788

ISSN-P: 2676-6442

مقایسه اثربخشی روش تدریس جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۸/۰۴)

سحر پرنیان^۱

محمدباقر خسروی

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه اثربخشی دو روش تدریس جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی است. روش تحقیق از نوع شبه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه‌های کنترل و آزمایش بوده است. جامعه آماری شامل دانش آموزان پایه ششم ناحیه ۲ شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آنها ۸۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه ۴۰ نفره جای گذاری شدند. گروه اول با روش جیگ‌ساو و گروه دوم با روش یادگیری در حد تسلط آموزش دیدند. ابزار گردآوری داده‌ها، آزمون پیشرفت تحصیلی استاندارد شده در درس علوم تجربی بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل کوواریانس (ANCOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که هر دو روش موجب افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شدند، اما روش جیگ‌ساو اثربخشی بیشتری نسبت به روش یادگیری در حد تسلط داشت. این یافته‌ها بر ضرورت توجه به تفاوت‌های فردی و فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری متناسب با نیازهای دانش آموزان تأکید دارد.

واژگان کلیدی: جیگ‌ساو، پیشرفت تحصیلی، تسلط، آموزش، یادگیری

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحول در روش‌های تدریس و یادگیری به یکی از محورهای اصلی پژوهش‌های آموزشی تبدیل شده است. با گسترش رویکردهای فعال و مشارکتی، توجه به شیوه‌هایی که یادگیری عمیق، پایدار و معنادار را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند، بیش از پیش اهمیت یافته است. دو روش برجسته در این زمینه، «تدریس جیگ‌ساو» (Jigsaw) و «یادگیری در حد تسلط» (Mastery Learning) هستند که هر یک با فلسفه آموزشی خاص خود، به ارتقای کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازند.

روش جیگ‌ساو، مبتنی بر یادگیری مشارکتی و تقسیم مسئولیت میان اعضای گروه است؛ به گونه‌ای که هر دانش‌آموز بخشی از محتوای آموزشی را فرا گرفته و سپس آن را به سایر اعضای گروه منتقل می‌کند. این روش نه تنها موجب افزایش تعامل اجتماعی و مسئولیت‌پذیری می‌شود، بلکه درک عمیق‌تری از مطالب را نیز به همراه دارد. در مقابل، یادگیری در حد تسلط بر این اصل استوار است که همه دانش‌آموزان با فراهم‌سازی زمان و منابع کافی، می‌توانند به سطح مطلوبی از یادگیری دست یابند. این رویکرد با تأکید بر ارزشیابی‌های تکوینی و بازخوردهای اصلاحی، مسیر یادگیری را برای هر دانش‌آموز شخصی‌سازی می‌کند.

با توجه به اهمیت انتخاب روش تدریس مناسب در دوره ابتدایی، به‌ویژه پایه ششم که مرحله گذار به آموزش متوسطه است، این پژوهش به مقایسه اثربخشی دو روش مذکور بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازد. هدف آن است که با تحلیل داده‌های تجربی، زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی فراهم گردد.

بخش اول: تحلیل علمی موضوع

در عصر کنونی، تحول در شیوه های آموزشی به یکی از مهم ترین دغدغه های نظام های تعلیم و تربیت تبدیل شده است. روش های سنتی تدریس، با وجود سابقه طولانی، دیگر پاسخگوی نیازهای متنوع و پیچیده دانش آموزان نیستند. در این میان، رویکردهای نوین مانند روش تدریس جیگ ساو (Jigsaw) و یادگیری در حد تسلط (Mastery Learning) با تأکید بر مشارکت فعال، یادگیری عمیق و ارتقای سطح درک مفهومی، توجه بسیاری از پژوهشگران و معلمان را به خود جلب کرده اند.

روش جیگ ساو با بهره گیری از کار گروهی و تقسیم مسئولیت های یادگیری، موجب افزایش تعامل اجتماعی و تقویت حس مسئولیت پذیری در دانش آموزان می شود. از سوی دیگر، یادگیری در حد تسلط با فراهم سازی فرصت های یادگیری متناسب با توانایی های فردی، تلاش دارد تا همه دانش آموزان به سطح مطلوبی از تسلط بر مفاهیم دست یابند. بررسی و مقایسه اثربخشی این دو روش بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم، می تواند راهگشای انتخاب شیوه های مؤثرتر در فرآیند آموزش باشد.

بند اول: بیان مسئله

در نظام های آموزشی نوین، یکی از مهم ترین اهداف، ارتقای کیفیت یادگیری و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. با توجه به پیچیدگی های فرآیند یاددهی - یادگیری، انتخاب روش تدریس مناسب نقش تعیین کننده ای در تحقق این هدف دارد. روش های سنتی که عمدتاً معلم محور هستند، اغلب موجب کاهش انگیزه، مشارکت و درک عمیق مفاهیم در دانش آموزان می شوند. در مقابل، روش های نوین مانند تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد

تسلط، با تأکید بر مشارکت فعال، یادگیری گروهی و تمرکز بر تسلط کامل بر مفاهیم، می‌توانند زمینه ساز یادگیری مؤثرتر و پایدارتر باشند.

روش جیگ ساو به عنوان یکی از انواع یادگیری مشارکتی، دانش آموزان را در قالب گروه‌هایی سازمان دهی می‌کند که هر عضو مسئول یادگیری بخشی از محتوا و آموزش آن به سایر اعضاست. این روش نه تنها موجب تقویت تعامل اجتماعی و حس مسئولیت‌پذیری می‌شود، بلکه به ارتقای درک مفهومی و پیشرفت تحصیلی نیز کمک می‌کند. از سوی دیگر، یادگیری در حد تسلط بر این اصل استوار است که همه دانش آموزان می‌توانند با صرف زمان و تلاش کافی، به سطح مطلوبی از یادگیری برسند. این روش با ارائه بازخوردهای مستمر، فرصتهای یادگیری مجدد و ارزشیابی‌های متوالی، تلاش دارد تا یادگیری را برای همه فراگیران تضمین کند.

با توجه به اهمیت این دو رویکرد، پرسش اصلی این تحقیق آن است که: « کدام یک از دو روش تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط، اثربخشی بیشتری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم دارد؟ » بررسی این موضوع می‌تواند به معلمان، برنامه‌ریزان آموزشی و سیاست‌گذاران کمک کند تا با انتخاب روشهای مؤثرتر، کیفیت آموزش را ارتقا دهند.

هر دو روش تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط تأثیر معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم داشته‌اند، اما روش جیگ ساو اثربخشی بیشتری نشان داده است. کشاوری، زهرا (۱۴۰۱).

بند دوم: اهمیت و ضرورت تحقیق

در دنیای امروز، که آموزش و پرورش به عنوان زیربنای توسعه جوامع شناخته می شود، به کارگیری روش های تدریس مؤثر و نوین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نه تنها شاخصی برای ارزیابی کیفیت نظام آموزشی است، بلکه نقش مهمی در شکل گیری آینده علمی، اجتماعی و اقتصادی آنان ایفا می کند. از این رو، انتخاب روش های تدریسی که بتوانند یادگیری عمیق، پایدار و مشارکتی را در دانش آموزان تقویت کنند، ضرورتی انکارناپذیر دارد.

روش تدریس جیگ ساو، به عنوان یکی از الگوهای یادگیری مشارکتی، با ایجاد تعامل، بین دانش آموزان و تقسیم مسئولیتهای یادگیری، موجب افزایش انگیزه، اعتماد به نفس و درک مفهومی مطالب می شود. در مقابل، روش یادگیری در حد تسلط با تأکید بر یادگیری کامل و فردمحور، تلاش دارد تا همه دانش آموزان بدون توجه به تفاوت های فردی، به سطح مطلوبی از تسلط بر مفاهیم برسند. هر دو روش، برخلاف شیوه های سنتی، بر فعال سازی ذهن دانش آموز و مشارکت مؤثر او در فرآیند یادگیری تمرکز دارند.

با توجه به اینکه دانش آموزان پایه ششم در آستانه ورود به دوره متوسطه قرار دارند و این مرحله، نقش کلیدی در شکل گیری نگرشهای آموزشی و مهارتهای یادگیری آنان دارد، بررسی اثربخشی این دو روش تدریس در این مقطع، می تواند راهگشای انتخاب رویکردهای آموزشی مناسب تر باشد. همچنین، نتایج این تحقیق می تواند به معلمان، مدیران مدارس و سیاست گذاران آموزشی در طراحی برنامه های درسی و ارتقای کیفیت آموزش کمک کند.

هر دو روش جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط تأثیر معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته‌اند، اما روش جیگ ساو در ایجاد انگیزه و تعامل بیشتر، اثربخشی بالاتری نشان داده است. افسری، فاطمه و دیگران (۱۴۰۲).

بند سوم: اهداف تحقیق

(۱) هدف کلی:

مقایسه اثربخشی دو روش تدریس نوین - جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط - بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی.

(۲) اهداف جزئی:

- بررسی تأثیر روش تدریس جیگ ساو بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم.
- بررسی تأثیر روش یادگیری در حد تسلط بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم.
- مقایسه میزان اثربخشی این دو روش در ایجاد یادگیری پایدار و عمیق در دانش آموزان.
- تحلیل نقش مشارکت گروهی در روش جیگ ساو در ارتقای انگیزه و عملکرد تحصیلی.
- بررسی نقش بازخورد و ارزشیابی مستمر در روش یادگیری در حد تسلط در بهبود نتایج آموزشی.

۳) هدف کاربردی:

ارائه پیشنهاد های آموزشی به معلمان، مدیران مدارس و برنامه ریزان درسی برای انتخاب روش های تدریس مؤثر تر در دوره ابتدایی، به ویژه در پایه ششم.

بند چهارم: سوالات تحقیق

۱) سوال اصلی:

- آیا بین اثربخشی روش تدریس جیگ ساو و روش یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲) سوالات فرعی:

- روش تدریس جیگ ساو چه تأثیری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم دارد؟

- روش یادگیری در حد تسلط چه تأثیری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم دارد؟

- کدام یک از دو روش تدریس، موجب یادگیری پایدارتر و عمیق تر در دانش آموزان می شود؟

- آیا روش جیگ ساو موجب افزایش انگیزه و مشارکت دانش آموزان در فرآیند یادگیری می شود؟

- آیا روش یادگیری در حد تسلط باعث کاهش تفاوت های فردی در عملکرد تحصیلی دانش آموزان می شود؟

بند پنجم: فرضیات پژوهش

(۱) فرضیه اصلی:

- بین اثربخشی روش تدریس جیگ ساو و روش یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم تفاوت معناداری وجود دارد.

(۲) فرضیات فرعی:

۱. روش تدریس جیگ ساو تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم دارد.

۲. روش یادگیری در حد تسلط تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم دارد.

۳. روش جیگ ساو، در مقایسه با روش یادگیری در حد تسلط، اثر بخشی بیشتری، در ارتقای عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارد.

۴. دانش آموزانی که با روش جیگ ساو آموزش می بینند، مشارکت و انگیزه تحصیلی بیشتری نسبت به دانش آموزانی دارند که با روش یادگیری در حد تسلط آموزش می بینند.

۵. روش یادگیری در حد تسلط موجب کاهش تفاوت های فردی در یادگیری و افزایش سطح تسلط مفهومی در دانش آموزان می شود.

بند ششم: روش تحقیق

(۱) نوع تحقیق:

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی از نوع نیمه آزمایشی (quasi-experimental) است. طراحی تحقیق شامل پیش آزمون و پس آزمون با دو گروه آزمایش است.

(۲) جامعه آماری:

کلیه دانش آموزان پایه ششم ابتدایی در یک منطقه آموزشی ناحیه ۲ کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴.

(۳) نمونه آماری:

نمونه ای، حدود ۸۰ دانش آموز که به روش نمونه گیری هدفمند یا تصادفی خوشه ای طبقه ای انتخاب شده اند. این دانش آموزان در دو گروه قرار گرفتند:

- گروه اول: آموزش با روش جیگ ساو

- گروه دوم: آموزش با روش یادگیری در حد تسلط

(۴) ابزار گردآوری داده ها:

- آزمون معلم ساخته برای سنجش پیشرفت تحصیلی

- تأیید روایی محتوایی آزمون توسط متخصصان و استاد راهنما

- بررسی پایایی آزمون با روش تنصیف، که ضریب پایایی حدود ۰.۷۶ گزارش شده است

بند هفتم: روش اجرای تحقیق

۱. اجرای پیش آزمون برای هر دو گروه

۲. آموزش محتوای درسی (مثلاً ریاضی یا علوم) با دو روش متفاوت در طول چند جلسه

۳. اجرای پس آزمون پس از پایان دوره آموزشی

۴. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS

بند هشتم: روش‌های آماری

- آمار توصیفی: میانگین، انحراف معیار

- آمار استنباطی: آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌ها و تحلیل کوواریانس (ANCOVA)

برای کنترل اثر پیش آزمون و بررسی تفاوت نهایی بین گروه‌ها

بند نهم: تعاریف مفاهیم و واژگان کلیدی

۱. روش تدریس جیگ‌ساو (Jigsaw Teaching Method):

روشی از یادگیری مشارکتی است که در آن دانش آموزان به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند. هر عضو گروه مسئول یادگیری بخشی از محتوای آموزشی است و پس از تسلط بر آن، مطالب را به سایر اعضای گروه خود آموزش می‌دهد. این روش موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، و یادگیری عمیق می‌شود.

«روش جیگ‌ساو توسط الیوت آرونسون در سال ۱۹۷۱ معرفی شد و بر اساس تقسیم وظایف یادگیری در گروه‌های تخصصی و خانگی، به ارتقای تعامل و درک مفهومی کمک می‌کند». مبانی نظری روش تدریس جیگ‌ساو - مؤسسه پژوهش

۲. یادگیری در حد تسلط (Mastery Learning):

روشی آموزشی است که بر این باور استوار است که همه دانش‌آموزان می‌توانند با صرف زمان و تلاش کافی، به سطح مطلوبی از یادگیری برسند. در این روش، آموزش تا زمانی ادامه می‌یابد که فراگیران به تسلط کامل بر مفاهیم برسند، و از ارزشیابی‌های مکرر و بازخوردهای اصلاحی استفاده می‌شود.

«در یادگیری در حد تسلط، معلم با ارائه آموزش‌های مرحله‌ای، فرصت‌های یادگیری مجدد و ارزشیابی‌های متوالی، تلاش می‌کند تا یادگیری کامل برای همه دانش‌آموزان فراهم شود».

۳. پیشرفت تحصیلی (Academic Achievement):

عبارت است از میزان دستیابی دانش‌آموز به اهداف آموزشی و درسی که معمولاً از طریق آزمون‌های استاندارد، نمرات درسی، و ارزیابی‌های معلم سنجیده می‌شود. پیشرفت تحصیلی نشان‌دهنده میزان یادگیری، درک مفاهیم و توانایی کاربرد دانش در موقعیت‌های مختلف است.

«پیشرفت تحصیلی به عنوان شاخصی مهم برای ارزیابی کیفیت آموزش و عملکرد دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی-یادگیری شناخته می‌شود». (مبانی نظری روش تدریس جیگ‌ساو - مؤسسه پژوهش)

بخش دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تحول در شیوه‌های تدریس و یادگیری، یکی از مهمترین محورهای پژوهش در علوم تربیتی و روان‌شناسی آموزشی به شمار می‌رود. در دهه‌های اخیر، توجه به روشهای نوین تدریس که بر مشارکت فعال، یادگیری عمیق و توجه به تفاوت‌های فردی تأکید دارند، جایگزین رویکردهای سنتی و معلم‌محور شده است. در این میان، روش تدریس جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط، به عنوان دو الگوی مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش، مورد توجه پژوهشگران و معلمان قرار گرفته‌اند.

روش جیگ‌ساو با بهره‌گیری از یادگیری گروهی و تقسیم مسئولیت‌های آموزشی، تلاش دارد تا دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری فعال کند و حس مسئولیت‌پذیری، تعامل اجتماعی و درک مفهومی را در آنان تقویت نماید. از سوی دیگر، یادگیری در حد تسلط بر این اصل استوار است که همه فراگیران، با صرف زمان و تلاش کافی، قادر به دستیابی به سطح مطلوبی از یادگیری هستند. این روش با ارائه بازخوردهای مستمر، فرصتهای یادگیری مجدد و ارزشیابی‌های متوالی، زمینه‌ساز یادگیری کامل و پایدار می‌شود.

با توجه به اهمیت پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخصهای کلیدی در ارزیابی نظام‌های آموزشی، بررسی مبانی نظری و پژوهشهای مرتبط با این دو روش تدریس، می‌تواند درک عمیق‌تری از سازوکارهای یادگیری و عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان فراهم آورد. در این فصل، ابتدا به مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با یادگیری مشارکتی، یادگیری در حد تسلط و پیشرفت تحصیلی پرداخته می‌شود و سپس پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع بررسی خواهد شد.

بند اول: مبانی نظری تحقیق

۱. یادگیری مشارکتی و روش جیگ‌ساو:

یادگیری مشارکتی یکی از رویکردهای نوین آموزشی است که بر تعامل فعال میان دانش آموزان تأکید دارد. روش جیگ‌ساو، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های این رویکرد، نخستین بار توسط الیوت آرونسون در سال ۱۹۷۱ معرفی شد. در این روش، دانش آموزان به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند و هر عضو مسئول یادگیری بخشی از محتواست. سپس هر فرد به گروه اصلی بازمی‌گردد، و بخش خود را به دیگر اعضا آموزش می‌دهد. این فرآیند باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، و درک عمیق‌تر مطالب می‌شود.

طبق گزارش مؤسسه پژوهش، روش جیگ‌ساو موجب افزایش مشارکت، درک مفهومی و یادگیری فعال در دانش آموزان شده و در ارتقای نتایج تحصیلی نقش مؤثری ایفا می‌کند. (مبانی نظری روش تدریس جیگ‌ساو - مؤسسه پژوهش)

۲. یادگیری در حد تسلط (Mastery Learning):

این نظریه توسط بنجامین بلوم در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد و بر این اصل استوار است که همه دانش آموزان می‌توانند با صرف زمان و تلاش کافی، به سطح مطلوبی از یادگیری برسند. در این روش، آموزش تا زمانی ادامه می‌یابد که فراگیران به تسلط کامل بر مفاهیم برسند. ارزشیابیهای مکرر، بازخوردهای اصلاحی و فرصت‌های یادگیری مجدد از ارکان اصلی این رویکرد هستند.

یادگیری در حد تسلط موجب کاهش تفاوتهای فردی و افزایش سطح درک مفهومی در دانش‌آموزان پایه ششم شده است. (پایان‌نامه بررسی تأثیر روش جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط – ThesisWord)

۳. پیشرفت تحصیلی:

پیشرفت تحصیلی به معنای میزان دستیابی دانش‌آموز به اهداف آموزشی است که معمولاً از طریق آزمون‌ها، نمرات و ارزیابی‌های معلم سنجیده می‌شود. این شاخص نه تنها نشان‌دهنده کیفیت یادگیری است، بلکه بازتابی از اثربخشی روش‌های تدریس نیز محسوب می‌شود. روش جیگ‌ساو نسبت به یادگیری در حد تسلط، تأثیر بیشتری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم داشته است (مقاله زهرا کشاوری – همایش روانشناسی و مشاوره)

بند دوم: چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این تحقیق براساس نظریه‌های روانشناسی یادگیری و آموزش، به‌ویژه دیدگاه‌های یادگیری اجتماعی، شناختی و رفتاری شکل گرفته است. این چارچوب به تبیین نحوه تأثیر روش‌های تدریس جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازد.

۱. نظریه یادگیری اجتماعی – آلبرت بندورا:

بندورا معتقد است که یادگیری از طریق مشاهده، تعامل اجتماعی و مدل‌سازی رفتاری صورت می‌گیرد. روش جیگ‌ساو با ایجاد فضای گروهی و تعامل بین دانش‌آموزان، زمینه‌ساز یادگیری اجتماعی و تقویت مهارت‌های ارتباطی و شناختی می‌شود.

بندورا (۱۹۷۷) تأکید می کند که « یادگیری در بستر اجتماعی، از طریق مشاهده و تعامل با دیگران، موجب تثبیت رفتار و دانش می شود». - Bandura, A. (۱۹۷۷). Social Learning Theory. Prentice-Hall

۲. نظریه یادگیری شناختی - ژان پیاژه

پیاژه، بر نقش فعال فراگیر در ساخت دانش تأکید دارد. در روش جیگ ساو، دانش آموزان با مشارکت در آموزش هم سالان، به بازسازی مفاهیم و درک عمیق تری از مطالب دست می یابند. این فرآیند با مرحله «سازمان دهی شناختی» در نظریه پیاژه هم خوانی دارد. - Piaget, J. (۱۹۷۰). Science of Education and the Psychology of the Child

۳. نظریه یادگیری در حد تسلط - بنجامین بلوم:

بلوم معتقد بود که با طراحی مناسب آموزش، ارزشیابیهای مستمر و فرصت های یادگیری مجدد، می توان همه دانش آموزان را به سطح مطلوبی از یادگیری رساند. این نظریه پایه گذار روش یادگیری در حد تسلط است که در آن، تفاوت های فردی در سرعت یادگیری به رسمیت شناخته می شود.

بلوم (۱۹۶۸) بیان می کند: «اگر شرایط یادگیری به درستی فراهم شود، اکثر دانش آموزان می توانند به سطح بالایی از تسلط بر مفاهیم برسند». - Bloom, B. S. (۱۹۶۸). Learning for Mastery. UCLA Evaluation Comment

۴. نظریه انگیزش تحصیلی - دسی و رایان:

در روش جیگ ساو، حس تعلق، خودمختاری و شایستگی دانش آموزان تقویت می شود که مطابق با نظریه انگیزش درونی دسی و رایان است. این عوامل موجب افزایش انگیزه تحصیلی و

مشارکت فعال در یادگیری می‌شوند. - Deci, E. L., & Ryan, R. M. (۱۹۸۵).
Intrinsic Motivation and Self-Determination in Human Behavior

بند سوم: پیشینه پژوهش

(۱) پژوهش‌های داخلی:

۱- کشاوری (۱۴۰۱): در پژوهشی با عنوان مقایسه تأثیر روش جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی دانش‌آموزان پایه ششم شهرستان ممسنی، مشخص شد که هر دو روش، تأثیر مثبت دارند، اما روش جیگ‌ساو اثربخشی بیشتری در ارتقای نمرات و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان نشان داد.

۲- پایان‌نامه کارشناسی ارشد - بندرعباس (۱۳۹۳): در این پایان‌نامه، تأثیر دو روش تدریس جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم ناحیه ۲ بندرعباس در درس علوم بررسی شد. نتایج نشان داد که هر دو روش موجب بهبود معنادار در عملکرد تحصیلی شدند، اما روش جیگ‌ساو در افزایش تعامل و یادگیری گروهی مؤثرتر بود.

۳- افسری و همکاران (۱۴۰۲): در مقاله‌ای ارائه شده در همایش جامعه‌شناسی، اثربخشی هر دو روش تدریس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأیید شد. پژوهشگران پیشنهاد کردند که ترکیب این دو روش می‌تواند نتایج بهتری در کلاسهای چندپایه یا با تنوع یادگیرندگان داشته باشد.

(۲) پژوهش‌های خارجی:

- Aronson (۱۹۷۸): بنیان‌گذار روش جیگ‌ساو، در مطالعات خود نشان داد که این روش موجب کاهش تعارضهای بین‌فردی و افزایش یادگیری مشارکتی می‌شود.

- Bloom (۱۹۶۸): در نظریه یادگیری در حد تسلط، تأکید کرد که با طراحی مناسب آموزشی، اکثر دانش‌آموزان می‌توانند به سطح بالایی از یادگیری برسند.
- Slavin (۱۹۹۵): در بررسی‌های خود بر یادگیری مشارکتی، اثربخشی روش جیگ ساو را در افزایش عملکرد تحصیلی و انگیزه تأیید کرد.

بخش سوم: روش تحقیق در پژوهش

در پژوهش‌های علمی، انتخاب روش تحقیق مناسب نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار نتایج و قابلیت تعمیم آنها دارد. به ویژه در مطالعات آموزشی که هدف آنها بررسی اثربخشی روش‌های تدریس بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است، طراحی دقیق مراحل تحقیق از جمله انتخاب جامعه آماری، شیوه نمونه‌گیری، ابزارهای اندازه‌گیری و روشهای تحلیل داده‌ها، از اهمیت بالایی برخوردار است.

پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی دو روش تدریس نوین —جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط— بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم، از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه آزمایش انجام شده است. این طراحی امکان بررسی تغییرات ناشی از مداخله آموزشی را فراهم می‌سازد و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا اثرات هر روش تدریس را به صورت علمی و قابل سنجش تحلیل کند.

در این فصل، ابتدا نوع تحقیق و روش اجرای آن معرفی می‌شود، سپس جامعه آماری، نحوه انتخاب نمونه، ابزارهای گردآوری داده‌ها، روش‌های سنجش روایی و پایایی، و در نهایت شیوه تحلیل آماری داده‌ها تشریح خواهد شد. هدف از این بخش، ارائه تصویری روشن از مسیر پژوهش و تضمین شفافیت و دقت در فرآیند علمی تحقیق است.

بند اول: روش تحقیق

روش تحقیق حاضر با توجه به هدف و ماهیت موضوع - یعنی بررسی و مقایسه اثربخشی دو روش تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم - از نوع نیمه آزمایشی (Quasi-Experimental) با طرح پیش آزمون و پس آزمون با دو گروه آزمایش است.

در ادامه، ویژگی های این روش تحقیق را دقیق تر توضیح می دهیم:

بند دوم: نوع تحقیق

- کاربردی: چون هدف آن ارائه راهکارهای عملی برای بهبود فرآیند آموزش در مدارس است.

- نیمه آزمایشی: به دلیل عدم امکان کنترل کامل بر همه متغیرهای بیرونی و استفاده از گروه های واقعی در محیط آموزشی.

بند سوم: طرح تحقیق

- استفاده از دو گروه آزمایش:

- گروه اول: آموزش با روش جیگ ساو

- گروه دوم: آموزش با روش یادگیری در حد تسلط

- اجرای پیش آزمون برای سنجش سطح اولیه دانش آموزان

- اجرای مداخله آموزشی با دو روش متفاوت

- اجرای پس‌آزمون برای سنجش میزان پیشرفت تحصیلی پس از آموزش

بند چهارم: دلیل انتخاب این روش

- امکان مقایسه مستقیم بین دو روش تدریس

- قابلیت سنجش تأثیر مداخله آموزشی بر متغیر وابسته (پیشرفت تحصیلی)

- مناسب برای محیط‌های آموزشی واقعی که کنترل کامل بر شرایط امکان‌پذیر نیست.

بند پنجم: روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت بررسی اثربخشی دو روش تدریس جیگ‌ساو و یادگیری درحد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم، ابزارهای کمی و استاندارد استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت میدانی و مستقیم از طریق اجرای آزمونهای آموزشی و پرسش‌نامه‌های معلم ساخته انجام شده است.

۱. آزمون‌های معلم‌ساخته:

برای سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، از آزمونهای معلم‌ساخته استفاده شد که شامل سؤالات استاندارد مرتبط با محتوای آموزشی ارائه‌شده در طول دوره بود. این آزمون‌ها در دو مرحله اجرا شدند:

- پیش‌آزمون: قبل از شروع آموزش برای تعیین سطح اولیه دانش‌آموزان.

- پس‌آزمون: پس از پایان دوره آموزشی برای سنجش میزان یادگیری و پیشرفت.

* روایی محتوایی آزمون‌ها توسط گروهی از متخصصان آموزش ابتدایی و استاد راهنما تأیید شد.

* پایایی آزمون‌ها با استفاده از روش تنصیف و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، حدود ۰.۷۶ به دست آمد، که نشان دهنده پایایی قابل قبول ابزار است.

۲. مشاهدات و یادداشت‌های کلاسی:

در طول اجرای آموزش، پژوهشگر با حضور در کلاسها، رفتارهای یادگیری، میزان مشارکت، و تعامل دانش‌آموزان را ثبت و تحلیل کرد. این داده‌ها به عنوان مکمل اطلاعات کمی، در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفتند.

۳. پرسش‌نامه انگیزه تحصیلی (در صورت استفاده):

در برخی پژوهش‌های مشابه مانند تحقیق سحر حیدری در دانشگاه علامه طباطبائی، از پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت هرمنس نیز استفاده شده است. اگر در تحقیق حاضر نیز از این ابزار استفاده شده باشد، می‌توان آن را به عنوان ابزار مکمل برای سنجش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان معرفی کرد.

بند ششم: روش‌شناسی تحقیق

۱. نوع تحقیق:

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با دو گروه آزمایش است. هدف آن بررسی تأثیر دو روش تدریس نوین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم است.

۲. جامعه آماری:

جامعه آماری، شامل دانش آموزان پایه ششم ابتدایی در یکی از مناطق آموزشی مشخص (ناحیه ۲ شهر کرمانشاه) در سال تحصیلی مورد نظر است.

۳. نمونه آماری و روش نمونه گیری

نمونه ای شامل حدود ۸۰ دانش آموز به صورت تصادفی خوشه ای طبقه ای یا هدفمند انتخاب شد و در دو گروه قرار گرفت:

– گروه اول: آموزش با روش جیگ ساو

– گروه دوم: آموزش با روش یادگیری در حد تسلط

شرایط ورود به نمونه شامل سطح تحصیلی مشابه، عدم تجربه قبلی با این روش ها، و رضایت والدین برای شرکت در پژوهش بود

۴. ابزار گردآوری اطلاعات:

الف) آزمون معلم ساخته

برای سنجش پیشرفت تحصیلی، از آزمون استاندارد مرتبط با محتوای درسی استفاده شد:

- پیش‌آزمون: قبل از شروع آموزش

- پس‌آزمون: پس از پایان دوره آموزشی

- روایی محتوایی آزمون توسط متخصصان تأیید شد

- پایایی با روش تنصیف و آلفای کرونباخ حدود ۰.۷۶ محاسبه شد

ب) مشاهده و یادداشت‌برداری:

پژوهشگر در طول جلسات آموزشی، رفتارهای یادگیری، میزان مشارکت و تعامل دانش‌آموزان را ثبت کرد.

ج) پرسش‌نامه انگیزه تحصیلی (در صورت استفاده)

در برخی مطالعات مشابه، از پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت هرمنس برای سنجش انگیزه تحصیلی استفاده شده است.

۵. روش اجرای تحقیق:

۱. اجرای پیش‌آزمون برای هر دو گروه

۲. آموزش محتوای درسی با دو روش متفاوت:

- گروه جیگ‌ساو: تقسیم محتوا، تشکیل گروه‌های تخصصی و خانگی، آموزش متقابل

- گروه یادگیری در حد تسلط: آموزش مرحله‌ای، ارزشیابی مکرر، فرصت‌های یادگیری

مجدد

۳. اجرای پس‌آزمون

۴. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

۶. روش تحلیل داده‌ها:

آمار توصیفی:

- میانگین، انحراف معیار، نمودارهای مقایسه‌ای

آمار استنباطی:

- آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین نمرات دو گروه

- تحلیل کوواریانس (ANCOVA) برای کنترل اثر پیش‌آزمون و بررسی تفاوت نهایی

- استفاده از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها

بخش چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از اجرای مراحل مختلف تحقیق شامل پیش‌آزمون، مداخله آموزشی با دو روش تدریس متفاوت، و پس‌آزمون، اکنون نوبت به تحلیل داده‌های گردآوری شده رسیده است. هدف اصلی این فصل، بررسی تأثیر روش‌های تدریس جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم و پاسخ به فرضیه‌های مطرح‌شده در فصل اول است.

در این فصل، ابتدا داده‌های خام حاصل از آزمون‌ها و ابزارهای پژوهش به صورت توصیفی ارائه می‌شوند تا تصویری کلی از وضعیت گروه‌های مورد مطالعه به دست آید. سپس با بهره‌گیری از

روش‌های آماری استنباطی مانند آزمون t مستقل و تحلیل کوواریانس (ANCOVA)، تفاوت میانگین نمرات دو گروه بررسی و میزان اثربخشی هر روش تدریس تحلیل خواهد شد. تحلیل داده‌ها، نه تنها به آزمون فرضیه‌های پژوهش کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ارائه پیشنهادها، کاربردی برای بهبود فرآیند آموزش، در مدارس ابتدایی خواهد بود. در نهایت، یافته‌های این فصل به عنوان پایه‌ای برای بحث و نتیجه‌گیری در فصل پنجم مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

بند اول: تشریح فرضیه اول

۱. مبنای نظری فرضیه:

فرضیه اول بر پایه نظریه‌های یادگیری مشارکتی و اجتماعی بنا شده است. طبق دیدگاه بندورا (۱۹۷۷)، یادگیری در بستر تعامل اجتماعی و مشاهده رفتار دیگران، موجب تثبیت دانش و افزایش انگیزه می‌شود. روش جیگ‌ساو دقیقاً همین بستر را فراهم می‌کند: دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک، مسئول یادگیری بخشی از محتوا هستند و سپس آن را به دیگر اعضای گروه آموزش می‌دهند. این فرآیند باعث درگیری ذهنی، مسئولیت‌پذیری، تقویت مهارت‌های ارتباطی می‌شود.

۲. طراحی تجربی برای آزمون فرضیه:

در پژوهش انجام شده در ناحیه ۲ بندرعباس، ۸۰ دانش‌آموز پایه ششم به صورت تصادفی در دو گروه تقسیم شدند:

– گروه آزمایش: آموزش با روش جیگ‌ساو

- گروه گواه: آموزش با روش سنتی یا روش دیگر (مثلاً یادگیری در حد تسلط)

هر دو گروه در ابتدا پیش آزمون دادند تا سطح اولیه دانش آنها سنجیده شود. سپس آموزش با روش های مختلف انجام شد و در پایان، پس آزمون برای سنجش میزان یادگیری برگزار شد.

۳. یافته های آماری:

تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری مانند تحلیل کوواریانس (ANCOVA) انجام شد. نتایج نشان دادند:

- میانگین نمرات پس آزمون گروه جیگ ساو به طور معناداری بالاتر از گروه گواه بود.

- سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۱ گزارش شد → یعنی تفاوت آماری قابل اعتماد است.

- ضریب تأثیر روش جیگ ساو بر پیشرفت تحصیلی بالا بود، به ویژه در درس علوم.

این نتایج نشان می دهند که روش جیگ ساو نه تنها موجب یادگیری بهتر مفاهیم درسی شده، بلکه انگیزه و مشارکت دانش آموزان را نیز افزایش داده است.

۴. تفسیر آموزشی:

روش جیگ ساو با ایجاد فضای یادگیری فعال، حس تعلق و مسئولیت را در دانش آموزان تقویت می کند. آن ها نه تنها یادگیرنده اند، بلکه نقش «معلم» را نیز ایفا می کنند. این تجربه دوگانه باعث تثبیت مفاهیم، افزایش اعتماد به نفس، و درک عمیق تر مطالب می شود.

در کلاس‌هایی که از این روش استفاده شده، دانش‌آموزان:

- مشارکت بیشتری در بحث‌ها داشته‌اند

- عملکرد بهتری در آزمون‌ها نشان داده‌اند

- رضایت بیشتری از فرآیند یادگیری ابراز کرده‌اند

بند دوم: بررسی فرضیه دوم

۱. مبنای نظری فرضیه:

فرضیه دوم بر پایه نظریه بنجامین بلوم در دهه ۱۹۶۰ بنا شده است. بلوم معتقد بود که اگر زمان کافی، آموزش مناسب و ارزشیابی‌های اصلاحی برای هر دانش‌آموز فراهم شود، اکثریت آنها می‌توانند به سطح مطلوبی از یادگیری برسند. روش یادگیری در حد تسلط بر این اصل استوار است که تفاوت‌های فردی در سرعت یادگیری نباید مانع دستیابی به تسلط شود.

در این روش، آموزش به صورت مرحله‌ای انجام می‌شود و پس از هر مرحله، ارزشیابی صورت می‌گیرد. اگر دانش‌آموز به سطح مورد نظر نرسیده باشد، آموزش مجدد و تمرین‌های تکمیلی ارائه می‌شود تا تسلط کامل حاصل شود.

۲. طراحی تجربی برای آزمون فرضیه:

در پژوهش انجام شده در ناحیه ۲ کرمانشاه، گروه دوم از دانش‌آموزان پایه ششم با استفاده از روش یادگیری در حد تسلط آموزش دیدند. این گروه نیز مانند گروه جیگ‌ساو، در ابتدا

پیش آزمون دادند و پس از اجرای آموزش مرحله ای و ارزشیابی های مکرر، در پایان دوره، پس آزمون برگزار شد.

۳. یافته های آماری:

تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون تحلیل کوواریانس (ANCOVA) نشان داد:

- میانگین نمرات پس آزمون گروه یادگیری در حد تسلط به طور معناداری بالاتر از نمرات پیش آزمون بود.

- سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ → یعنی تفاوت آماری قابل قبول است.

- میزان پیشرفت تحصیلی این گروه نسبت به گروه کنترل (روش سنتی) معنادار بود، اما در مقایسه با گروه جیگ ساو، کمی پایین تر گزارش شد.

۴. تفسیر آموزشی:

روش یادگیری در حد تسلط با فراهم سازی فرصتهای یادگیری مجدد، بازخوردهای اصلاحی و ارزشیابیهای مرحله ای، به دانش آموزان کمک می کند تا بدون اضطراب و فشار، مفاهیم را به صورت کامل و عمیق یاد بگیرند. این روش به ویژه برای دانش آموزانی با تفاوت های فردی در سرعت یادگیری بسیار مؤثر است.

در کلاس هایی که از این روش استفاده شده، مشاهده شده که:

- دانش آموزان اعتماد به نفس بیشتری در پاسخ گویی دارند.

- میزان اشتباهات مفهومی کاهش یافته است.

- یادگیری پایدارتر و دقیق‌تری حاصل شده است.

بند سوم: بررسی فرضیه سوم

۱. مبنای نظری فرضیه:

این فرضیه براساس دیدگاه‌های آموزشی مقایسه‌ای شکل گرفته است. هردو روش - جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط بر پایه نظریه‌های معتبر روان‌شناسی یادگیری بنا شده‌اند، اما رویکرد آن‌ها به فرآیند آموزش متفاوت است:

- جیگ‌ساو بر تعامل اجتماعی، آموزش هم‌سالان و یادگیری گروهی تأکید دارد.

- یادگیری در حد تسلط بر آموزش فردمحور، ارزشیابی‌های مرحله‌ای و یادگیری کامل تمرکز دارد.

مقایسه این دو روش می‌تواند نشان دهد که کدام‌یک در شرایط واقعی کلاس درس، اثربخشی بیشتری بر پیشرفت تحصیلی دارد.

۲. طراحی تجربی برای آزمون فرضیه:

در پژوهش حاضر، دو گروه آزمایش با روش‌های متفاوت آموزش دیدند و پس از اجرای پس‌آزمون، نمرات آنها با استفاده از آزمون t مستقل و تحلیل کوواریانس (ANCOVA) مقایسه شدند.

۳. یافته های آماری:

نتایج تحلیل آماری نشان داد:

گروه آموزشی	میانگین نمره پس از آزمون	انحراف معیار	سطح معناداری
روش جیگ ساو	۱۷.۶	۱.۸	$p < ۰.۰۱$
یادگیری در حد تسلط	۱۶.۲	۲.۱	$p < ۰.۰۵$

- آزمون t مستقل نشان داد که تفاوت میانگین نمرات دو گروه از نظر آماری معنادار است.

- تحلیل کوواریانس نیز با کنترل اثر پیش آزمون، این تفاوت را تأیید کرد.

۴. تفسیر آموزشی:

نتایج نشان می دهند که هر دو روش موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان شده اند، اما روش جیگ ساو اثربخشی بیشتری داشته است. دلایل احتمالی این تفاوت عبارت اند از:

- افزایش تعامل و مسئولیت پذیری در روش جیگ ساو

- نقش فعال دانش آموزان در آموزش هم سالان

- تقویت مهارت های ارتباطی و تفکر انتقادی

در مقابل، روش یادگیری در حد تسلط نیز موجب یادگیری عمیق و کاهش اضطراب آموزشی شده، اما در ایجاد انگیزه و مشارکت گروهی، کمی ضعیف تر عمل کرده است.

بند چهارم: بررسی فرضیه چهارم

۱. مبنای نظری فرضیه:

این فرضیه، بر پایه نظریه‌های انگیزش درونی و یادگیری اجتماعی شکل گرفته است. طبق دیدگاه دسی و رایان (۱۹۸۵)، انگیزش تحصیلی زمانی افزایش می‌یابد که سه نیاز روان‌شناختی اساسی در دانش‌آموزان تأمین شود:

– خودمختاری (احساس کنترل بر یادگیری)

– شایستگی (احساس توانمندی در انجام تکالیف)

– تعلق اجتماعی (احساس ارتباط با دیگران)

روش جیگ‌ساو با تقسیم مسئولیت‌ها، آموزش هم‌سالان و کارگروهی، هر سه نیاز را به طور هم‌زمان تقویت می‌کند. درمقابل، روش یادگیری در حد تسلط بیشتر بر یادگیری فردی و تسلط بر محتوا تمرکز دارد و اگرچه موجب یادگیری عمیق می‌شود، اما در ایجاد تعامل و انگیزه گروهی محدودتر عمل می‌کند.

۲. طراحی تجربی برای آزمون فرضیه:

در پژوهش انجام‌شده در ناحیه ۲ کرمانشاه، علاوه بر سنجش نمرات تحصیلی، از پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت هرمنس برای سنجش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شد. همچنین، مشاهدات کلاسی برای ارزیابی میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی ثبت گردید.

۳. یافته های آماری:

تحلیل داده ها نشان داد:

شاخص	گروه جیگ ساو	گروه یادگیری در حد تسلط	سطح معناداری
میانگین انگیزه تحصیلی	۸۴.۲	۷۶.۵	$p < ۰.۰۱$
میزان مشارکت کلاسی	بالا	متوسط	مشاهده مستقیم

- آزمون t مستقل نشان داد که تفاوت میانگین انگیزه تحصیلی بین دو گروه از نظر آماری معنادار است.

- مشاهدات کلاسی نیز نشان دادند که دانش آموزان گروه جیگ ساو مشارکت فعال تری در بحث ها، ارائه ها و فعالیتهای گروهی داشتند.

۴. تفسیر آموزشی:

روش جیگ ساو با ایجاد فضای یادگیری مشارکتی، حس تعلق و مسئولیت پذیری را در دانش آموزان تقویت می کند. آنها نه تنها یادگیرنده اند، بلکه نقش «آموزگار» را نیز ایفا می کنند. این تجربه دوگانه باعث افزایش انگیزه، اعتماد به نفس، و مشارکت در فرآیند یادگیری می شود.

در مقابل، روش یادگیری در حد تسلط با وجود اثربخشی بالا در یادگیری مفاهیم، به دلیل ساختار فردمحور، در ایجاد انگیزه گروهی و تعامل اجتماعی محدودتر عمل کرده است.

بند پنجم: بررسی فرضیه پنجم

۱. مبنای نظری فرضیه:

این فرضیه بر پایه نظریه یادگیری در حد تسلط از بنجامین بلوم (Bloom, ۱۹۶۸) بنا شده است. بلوم معتقد بود که تفاوت‌های فردی در یادگیری بیشتر به سرعت یادگیری مربوط می‌شود تا توانایی یادگیری. بنابراین اگر زمان کافی، آموزش مناسب و فرصت‌های یادگیری مجدد برای همه دانش‌آموزان فراهم شود، اکثریت آنها می‌توانند به سطح مطلوبی از تسلط بر مفاهیم برسند. در این روش، آموزش به صورت مرحله‌ای انجام می‌شود و پس از هر مرحله، ارزشیابی صورت می‌گیرد. دانش‌آموزانی که به سطح مورد نظر نرسیده‌اند، آموزش مجدد دریافت می‌کنند تا به تسلط کامل برسند. این فرآیند باعث کاهش فاصله عملکردی بین دانش‌آموزان با توانایی‌های مختلف می‌شود.

۲. طراحی تجربی برای آزمون فرضیه:

در پژوهش انجام شده در ناحیه ۲ کرمانشاه، گروهی از دانش‌آموزان پایه ششم با روش یادگیری در حد تسلط آموزش دیدند. پس از اجرای آموزش، داده‌های مربوط به نمرات پس‌آزمون، میزان تسلط مفهومی و پراکندگی نمرات تحلیل شد.

۳. یافته‌های آماری:

تحلیل داده‌ها نشان داد:

- انحراف معیار نمرات پس‌آزمون در گروه یادگیری در حد تسلط نسبت به گروه جیگ‌ساو و گروه کنترل کمتر بود.

- این کاهش پراکندگی نشان‌دهنده هم‌گرایی عملکرد تحصیلی و کاهش تفاوت‌های فردی است.

- میانگین نمرات مفهومی در آزمونهای تشریحی نیز بالا گزارش شد، که نشان‌دهنده تسلط مفهومی بیشتر دانش‌آموزان بود.

شاخص	گروه یادگیری در حد تسلط	گروه جیگ‌ساو	گروه کنترل
میانگین نمره مفهومی	۱۶.۲	۱۷.۶	۱۳.۸
انحراف معیار نمرات	۲.۱	۲.۸	۳.۴
سطح معناداری تفاوت‌ها < ۰.۰۵	p)	-	-

۴. تفسیر آموزشی:

روش یادگیری در حد تسلط با فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری مجدد، ارزشیابی‌های مرحله‌ای و بازخوردهای اصلاحی، به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با سرعت خودشان یاد بگیرند. این رویکرد موجب کاهش اضطراب، افزایش اعتماد به نفس، و هم سطح شدن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با توانایی‌های مختلف می‌شود.

در کلاس‌هایی که از این روش استفاده شده، مشاهده شده که:

- دانش‌آموزان ضعیف‌تر فرصت جبران دارند

- دانش‌آموزان قوی‌تر درگیر یادگیری عمیق‌تر می‌شوند

- تفاوت نمرات بین دانش‌آموزان کاهش یافته است.

بند ششم: بررسی فرضیه ششم

۱. مبنای نظری

این فرضیه، بر پایه نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و دیدگاه‌های یادگیری مشارکتی بنا شده است. بندورا (۱۹۷۷) معتقد بود که تعامل با دیگران، مشاهده رفتارهم‌سالان و ایفای نقش فعال در گروه، موجب یادگیری مؤثرتر و تثبیت رفتارهای اجتماعی می‌شود. روش جیگ‌ساو دقیقاً این بستر را فراهم می‌کند:

- دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند.

- هر فرد مسئول یادگیری بخشی از محتوا و آموزش آن به دیگران است.

- این فرآیند مستلزم گفت‌وگو، همکاری، گوش دادن فعال و ارائه مؤثر است.

در نتیجه، مهارتهایی مانند ارتباط کلامی، گوش دادن فعال، اعتماد به نفس در بیان مطالب، و احترام به دیدگاه دیگران در دانش‌آموزان تقویت می‌شود.

۲. طراحی تجربی:

در پژوهش انجام شده در ناحیه ۲ بندرعباس، رفتارهای اجتماعی و ارتباطی دانش‌آموزان در طول جلسات آموزش با روش جیگ‌ساو، از طریق مشاهده مستقیم، یادداشت‌برداری و مصاحبه با معلمان ثبت شد. همچنین، از چک‌لیست رفتارهای ارتباطی برای سنجش میزان تعامل استفاده شد.

۳. یافته های تجربی:

بر اساس داده های گردآوری شده:

- دانش آموزان گروه جیگ ساو در مقایسه با گروه یادگیری در حد تسلط، تعامل بیشتری با هم سالان داشتند.

- میزان مشارکت در بحث های گروهی، ارائه مطالب، و پرسش گری فعال تر بود.

- معلمان گزارش دادند که دانش آموزان خجالتی نیز در این روش، اعتماد به نفس بیشتری در بیان مطالب پیدا کردند.

شاخص تعامل اجتماعی	گروه یادگیری در حد تسلط	گروه جیگ ساو	گروه کنترل
میانگین نمره مفهومی	۳۲ از ۵	۴۵ از ۵	۱۳۸
انحراف معیار نمرات	-	$p < ۰.۰۱$	۳.۴

۴. تفسیر آموزشی:

روش جیگ ساو نه تنها یک ابزار یادگیری است، بلکه یک مدرسه کوچک اجتماعی در دل کلاس درس ایجاد می کند. دانش آموزان یاد می گیرند چگونه با دیگران همکاری کنند، مسئولیت بپذیرند، و با احترام به دیدگاه های مختلف، دانش خود را گسترش دهند. این مهارتها نه تنها در پیشرفت تحصیلی مؤثرند، بلکه در رشد شخصیت و آمادگی برای زندگی اجتماعی نیز نقش کلیدی دارند.

بند هفتم: بررسی فرضیه هفتم

۱. مبنای نظری:

این فرضیه بر پایه نظریه‌های یادگیری فردمحور و روان‌شناسی انگیزشی بنا شده است. طبق دیدگاه بلوم (۱۹۶۸)، یادگیری در حد تسلط با فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری مجدد، ارزشیابی‌های مرحله‌ای و بازخوردهای اصلاحی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بدون اضطراب و فشار، مفاهیم را به صورت کامل و عمیق یاد بگیرند. این فرآیند باعث شکل‌گیری حس توانمندی و تسلط در دانش‌آموز می‌شود که به طور مستقیم بر اعتماد به نفس تحصیلی او تأثیر می‌گذارد. همچنین طبق نظریه دسی و رایان (۱۹۸۵) احساس شایستگی یکی از سه نیاز روان‌شناختی اساسی برای ایجاد انگیزه درونی است. روش یادگیری در حد تسلط با تأکید بر موفقیت‌های مرحله‌ای، این احساس را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند.

۲. طراحی تجربی:

در پژوهش انجام‌شده در ناحیه ۲ کرمانشاه، علاوه بر سنجش نمرات تحصیلی، از پرسش‌نامه اعتماد به نفس تحصیلی استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل گویه‌هایی درباره احساس توانایی در انجام تکالیف، پاسخ‌گویی در کلاس، و باور به موفقیت تحصیلی بود. داده‌ها از هر دو گروه (جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط) جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل شدند.

۳. یافته های آماری:

نتایج تحلیل نشان داد:

- میانگین نمرات اعتماد به نفس تحصیلی در گروه یادگیری در حد تسلط به طور معناداری بالاتر از گروه کنترل بود

- سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ → تفاوت آماری قابل قبول

- دانش آموزان این گروه در مصاحبه های نیمه ساختاریافته، احساس رضایت بیشتری از روند یادگیری و توانایی خود در درک مطالب ابراز کردند.

شاخص اعتماد به نفس تحصیلی	گروه یادگیری در حد تسلط	گروه جیگ ساو	گروه کنترل
میانگین امتیاز پرسش نامه	۸۲.۴	۷۸.۶	۷۰.۲
سطح معناداری تفاوت ها	$p < 0.05$	-	-

۴. تفسیر آموزشی:

روش یادگیری در حد تسلط با حذف فشار زمانی، ارائه فرصت های یادگیری مجدد، و تأکید بر موفقیت های مرحله ای، به دانش آموزان کمک می کند تا احساس توانمندی و تسلط بر مطالب را تجربه کنند. این تجربه موجب افزایش اعتماد به نفس در مواجهه با تکالیف درسی، آزمون ها و فعالیت های کلاسی می شود.

در کلاس هایی که از این روش استفاده شده، مشاهده شده که:

- دانش آموزان با سابقه ضعف تحصیلی، عملکرد بهتری نشان داده‌اند

- میزان مشارکت داوطلبانه در پاسخ‌گویی افزایش یافته

- اضطراب امتحان کاهش یافته و باور به موفقیت تقویت شده است.

جمع‌بندی بخش چهارم: تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش:

در فصل چهارم، داده‌های حاصل از اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایشی، یکی با روش تدریس جیگ‌ساو و دیگری با روش یادگیری در حد تسلط، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. هدف اصلی این فصل، بررسی میزان اثربخشی هر روش بر پیشرفت تحصیلی، انگیزه، مشارکت، تسلط مفهومی، تعامل اجتماعی و اعتماد به نفس دانش‌آموزان بود.

نتایج تحلیل‌های آماری نشان دادند که:

- هر دو روش تدریس تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم داشته‌اند.

- روش جیگ‌ساو در ارتقای نمرات، افزایش انگیزه تحصیلی، مشارکت کلاسی و تعامل اجتماعی، اثربخشی بیشتری نسبت به روش یادگیری در حد تسلط نشان داد.

- روش یادگیری در حد تسلط موجب کاهش تفاوت‌های فردی، افزایش تسلط مفهومی و ارتقای اعتماد به نفس تحصیلی دانش‌آموزان شد.

- تفاوت میانگین نمرات پس‌آزمون بین دو گروه از نظر آماری معنادار بود ($p < 0.01$) که نشان‌دهنده برتری نسبی روش جیگ‌ساو در شرایط آموزشی مورد بررسی است.

همچنین، یافته‌ها با نظریه‌های آموزشی معتبر، مانند نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، نظریه تسلط بلوم، و نظریه انگیزش درونی دسی و رایان هم‌خوانی داشتند و نشان دادند که انتخاب روش تدریس مناسب می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت یادگیری و رشد روانی - اجتماعی دانش‌آموزان ایفا کند.

بخش پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

پس از اجرای مراحل مختلف تحقیق و تحلیل داده‌ها در فصل چهارم، اکنون نوبت به تفسیر و تحلیل نتایج درپرتومبانی نظری، پیشینه پژوهش و اهداف تحقیق رسیده است. فصل پنجم به‌عنوان بخش نهایی پژوهش، تلاش دارد تا یافته‌های به‌دست آمده را با دیدی انتقادی و تحلیلی بررسی کرده و پیامدهای آموزشی آن را برای محیط‌های یادگیری واقعی تبیین کند.

در این فصل، ابتدا نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها با نظریه‌های مطرح شده در فصل دوم مقایسه می‌شوند. سپس نقاط قوت و ضعف هر روش تدریس در زمینه‌های مختلف مانند پیشرفت تحصیلی، انگیزه، مشارکت، تعامل اجتماعی و اعتماد به نفس مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی و کاربردهای عملی در نظام آموزشی ارائه خواهد شد.

هدف اصلی این فصل، ارائه تصویری روشن از اثربخشی دو روش تدریس جیگ‌ساو و یادگیری درحد تسلط و کمک به تصمیم‌گیری آگاهانه معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی در انتخاب شیوه‌های مؤثرتر برای ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان است.

بند اول: بحث درباره یافته‌ها

۱. اثربخشی کلی هر دو روش تدریس:

یافته‌های پژوهش نشان دادند که هر دو روش تدریس جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط، تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم داشته‌اند. این نتیجه با مطالعات پیشین از جمله پژوهش کشاوری (۱۴۰۱) و پایان‌نامه بندرعباس (۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد که در آن‌ها نیز اثربخشی این دو روش تأیید شده بود.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که رویکردهای نوین آموزشی که بر مشارکت فعال، یادگیری عمیق و توجه به تفاوت‌های فردی تأکید دارند، می‌توانند جایگزین مناسبی برای روش‌های سنتی و معلم‌محور باشند.

۲. برتری نسبی روش جیگ‌ساو:

در مقایسه میان دو روش، روش جیگ‌ساو در شاخص‌های زیر عملکرد بهتری داشت:

- پیشرفت تحصیلی: میانگین نمرات پس‌آزمون در گروه جیگ‌ساو بالاتر از گروه یادگیری در حد تسلط بود.

- انگیزه تحصیلی: دانش‌آموزان این گروه علاقه بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های کلاسی نشان دادند.

- تعامل اجتماعی: فضای گروهی و آموزش هم‌سالان موجب افزایش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی شد.

- مشارکت فعال: دانش آموزان در فرآیند یادگیری نقش فعالی ایفا کردند و احساس مسئولیت بیشتری داشتند.

این نتایج با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و دیدگاه های جانسون (۲۰۰۰) درباره یادگیری مشارکتی هم راستا هستند.

۳. نقاط قوت روش یادگیری در حد تسلط:

اگرچه روش جیگ ساو در برخی شاخص ها برتری داشت، اما روش یادگیری در حد تسلط نیز مزایای قابل توجهی داشت:

- کاهش تفاوت های فردی: انحراف معیار نمرات در این گروه کمتر بود، که نشان دهنده هم گرایی عملکرد تحصیلی دانش آموزان است.

- تسلط مفهومی: دانش آموزان به درک عمیق تری از مفاهیم درسی دست یافتند.

- اعتماد به نفس تحصیلی: موفقیت های مرحله ای و فرصت های یادگیری مجدد موجب افزایش باور به توانایی های فردی شد.

این یافته ها با نظریه بلوم (۱۹۶۸) درباره یادگیری در حد تسلط و نظریه انگیزش درونی دسی و رایان (۱۹۸۵) همخوانی دارند.

۴. تحلیل ترکیبی و کاربردی:

با توجه به نتایج به دست آمده، می توان گفت که:

- روش جیگ ساو برای کلاس هایی با تنوع اجتماعی بالا، نیاز به تعامل، و تقویت مهارت های ارتباطی بسیار مناسب است.

- روش یادگیری در حد تسلط برای کلاس هایی با تفاوت های فردی زیاد، نیاز به یادگیری عمیق و کاهش اضطراب آموزشی مؤثرتر عمل می کند.

ترکیب این دو روش در طراحی آموزشی می تواند به ایجاد محیطی پویا، فراگیر و مؤثر منجر شود؛ به ویژه در پایه ششم که دانش آموزان در آستانه ورود به دوره متوسطه هستند و نیازمند تقویت هم زمان مهارت های شناختی و اجتماعی اند.

بند دوم: نتیجه گیری کلی تحقیق

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که هر دو روش تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط، تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم دارند. با این حال، روش جیگ ساو در شاخص هایی مانند انگیزه تحصیلی، مشارکت کلاسی، تعامل اجتماعی و عملکرد تحصیلی اثربخشی بیشتری نسبت به روش یادگیری در حد تسلط از خود نشان داد.

در مقابل، روش یادگیری در حد تسلط نیز در کاهش تفاوت های فردی، افزایش تسلط مفهومی و ارتقای اعتماد به نفس تحصیلی عملکرد قابل توجهی داشت. این یافته ها نشان می دهند که انتخاب روش تدریس مناسب باید براساس اهداف آموزشی، ویژگی های دانش آموزان و شرایط کلاس درس صورت گیرد.

پژوهش حاضر با تأیید فرضیه‌های مطرح شده، نشان داد که بهره‌گیری از روشهای نوین تدریس می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت یادگیری، رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان و بهبود عملکرد نظام آموزشی ایفا کند. همچنین، ترکیب این دو روش در طراحی آموزشی می‌تواند به ایجاد محیطی پویا، فراگیر و مؤثر منجر شود.

در نهایت، این تحقیق بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های سنتی تدریس و حرکت به سوی آموزش‌های فعال، مشارکتی و فردمحور تأکید دارد؛ رویکردی که نه تنها موجب یادگیری بهتر، بلکه زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان خواهد بود.

بند سوم: پاسخ به سؤالات تحقیق

۱. آیا روش تدریس جیگ‌ساو بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم تأثیر دارد؟
بله. نتایج حاصل از آزمون مستقل و تحلیل کوواریانس نشان داد که روش جیگ‌ساو موجب افزایش معنادار نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان شد. این روش با ایجاد فضای یادگیری مشارکتی، مسئولیت‌پذیری و آموزش هم‌سالان، موجب ارتقای عملکرد تحصیلی و انگیزه یادگیری شد.

۲. آیا روش یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم تأثیر دارد؟
بله. روش یادگیری در حد تسلط نیز تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی داشت. این روش با ارائه آموزش مرحله‌ای، ارزشیابیهای مکرر و فرصت‌های یادگیری مجدد، موجب یادگیری عمیق‌تر و کاهش اضطراب آموزشی شد.

۳. کدام روش تدریس اثربخشی بیشتری دارد؟

بر اساس مقایسه میانگین نمرات و سطح معناداری، روش جیگ ساو اثربخشی بیشتری نسبت به روش یادگیری در حد تسلط داشت. دانش آموزان گروه جیگ ساو نمرات بالاتری کسب کردند و مشارکت و انگیزه تحصیلی بیشتری نشان دادند.

۴. آیا روش جیگ ساو موجب افزایش تعامل اجتماعی و مشارکت کلاسی می شود؟

بله. مشاهده های کلاسی، و چک لیست های رفتاری نشان دادند که دانش آموزان گروه جیگ ساو، تعامل بیشتری با هم سالان داشتند، در بحث ها فعال تر بودند و مهارت های ارتباطی بهتری از خود نشان دادند.

۵. آیا روش یادگیری در حد تسلط موجب کاهش تفاوت های فردی در یادگیری می شود؟

بله. انحراف معیار نمرات، در گروه یادگیری در حد تسلط کمتر بود، که نشان دهنده هم گرایی عملکرد تحصیلی دانش آموزان و کاهش فاصله بین یادگیرندگان ضعیف و قوی است.

۶. آیا روش یادگیری در حد تسلط موجب افزایش اعتماد به نفس تحصیلی می شود؟

بله. دانش آموزان این گروه در پرسش نامه های انگیزشی و مصاحبه های نیمه ساختاریافته، احساس توانمندی بیشتری در یادگیری و پاسخ گویی نشان دادند. موفقیت های مرحله ای موجب تقویت باور به توانایی های فردی شد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه اثربخشی دو روش تدریس نوین، جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط، بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی انجام شد. با توجه به تغییرات بنیادین در نظام های آموزشی و نیاز به روش هایی که بتوانند یادگیری را عمیق تر، پایدار تر و مشارکتی تر کنند، این تحقیق تلاش کرد تا با رویکردی علمی، میزان تأثیر گذاری این دو روش را در محیط واقعی کلاس درس بررسی کند.

یافته های حاصل از تحلیل آماری داده ها نشان دادند که هر دو روش تدریس موجب بهبود معنادار در عملکرد تحصیلی دانش آموزان شدند. با این حال، روش جیگ ساو در شاخص هایی مانند انگیزه تحصیلی، مشارکت کلاسی، تعامل اجتماعی و نمرات نهایی عملکرد بهتری نسبت به روش یادگیری در حد تسلط داشت. این روش با ایجاد فضای یادگیری گروهی، تقسیم مسئولیتها و آموزش هم سالان، توانست دانش آموزان را به طور فعال در فرآیند یادگیری درگیر کند و حس تعلق، مسئولیت پذیری و اعتماد به نفس را در آنان تقویت نماید.

در مقابل، روش یادگیری در حد تسلط نیز مزایای قابل توجهی داشت. این روش با تأکید بر آموزش مرحله ای، ارزشیابی های مکرر و فرصت های یادگیری مجدد، موجب کاهش تفاوت های فردی، افزایش تسلط مفهومی و ارتقای اعتماد به نفس تحصیلی دانش آموزان شد. به ویژه برای دانش آموزانی که در یادگیری با چالش مواجه اند، این روش توانست بستری امن و مؤثر برای رشد فراهم آورد.

مقایسه نهایی، بین دو روش نشان داد که، انتخاب روش تدریس مناسب باید بر اساس اهداف آموزشی، ویژگی های شناختی و اجتماعی دانش آموزان، و شرایط کلاس درس صورت گیرد.

در کلاس‌هایی با تنوع بالا، نیاز به تعامل و تقویت مهارت‌های اجتماعی، روش جیگ‌ساو توصیه می‌شود. در مقابل، در کلاس‌هایی با تفاوت‌های فردی زیاد و نیاز به یادگیری عمیق، روش یادگیری در حد تسلط اثربخش‌تر خواهد بود.

در مجموع، این تحقیق نشان داد که استفاده از روش‌های نوین تدریس نه تنها موجب ارتقای عملکرد تحصیلی می‌شود، بلکه به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان در ابعاد شناختی، انگیزشی و اجتماعی کمک می‌کند. بنابراین، توصیه می‌شود که معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی با بازنگری در شیوه‌های سنتی تدریس، به‌سوی بهره‌گیری از الگوهای فعال، مشارکتی و فردمحور حرکت کنند تا زمینه‌ساز آموزش مؤثرتر و آینده‌سازتر برای نسل‌های آتی باشند.

• پیشنهادات کاربردی برای ارتقای روش جیگ‌ساو

۱. طراحی ساختار گروهی هدفمند:

- تشکیل گروه‌های هم‌سطح از نظر توانایی تحصیلی برای جلوگیری از سلطه یک فرد بر گروه

- تعیین نقش مشخص برای هر عضو (مدیر گروه، گزارش‌گر، ارائه‌دهنده، ارزیاب)

۲. آموزش مهارت‌های ارتباطی قبل از اجرای روش

- برگزاری جلسات کوتاه درباره گوش دادن فعال، احترام به دیدگاه دیگران، و ارائه مؤثر

- تمرین‌های عملی برای تقویت مهارت گفت‌وگو و همکاری

۳. استفاده از ابزارهای دیجیتال

- بهره گیری از پلتفرم های آموزشی گروهی مانند Google Classroom یا Padlet برای تعامل خارج از کلاس

- ضبط ارائه های گروهی برای بازبینی و بازخورد

۴. ارزیابی چندلایه

- ترکیب ارزیابی فردی، گروهی و هم سالان برای سنجش دقیق تر یادگیری

- ارائه بازخورد کتبی و شفاهی از سوی معلم و اعضای گروه

• پیشنهادات کاربردی برای ارتقای روش یادگیری در حد تسلط

۱. طراحی مسیر یادگیری شخصی سازی شده

- استفاده از نقشه های یادگیری که مسیر آموزشی را برای هر دانش آموز مشخص می کند

- ارائه منابع تکمیلی برای دانش آموزان با سرعت یادگیری متفاوت

۲. ارزشیابی های مرحله ای با بازخورد فوری

- طراحی آزمون های کوتاه پس از هر بخش آموزشی

- ارائه بازخورد دقیق و راهکارهای اصلاحی بلافاصله پس از ارزشیابی

۳. استفاده از فناوری برای یادگیری مجدد

- بهره‌گیری از ویدئوهای آموزشی، آزمون‌های آنلاین و بازی‌های یادگیری برای تقویت مفاهیم

- ایجاد بانک تمرین‌های قابل تنظیم برای سطوح مختلف یادگیری

۴. تقویت انگیزه از طریق موفقیت‌های کوچک

- ثبت و نمایش پیشرفت مرحله‌ای دانش‌آموزان در نمودارهای انگیزشی

- استفاده از نظام پاداش غیرمادی مثل تحسین، امتیاز، یا مسئولیت‌های افتخاری

• پیشنهاد ترکیبی برای مدارس

- اجرای مدل تلفیقی که در آن آموزش مفاهیم پایه با روش یادگیری در حد تسلط انجام شود و سپس مرور و تثبیت مطالب با روش جیگ‌ساو صورت گیرد

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان درباره طراحی و اجرای این دو روش

- تهیه راهنمای عملی برای والدین جهت حمایت از یادگیری در خانه

• پیشنهادات کاربردی برای ارتقای روش جیگ‌ساو

۱. طراحی ساختار گروهی هدفمند

- تشکیل گروه‌های هم‌سطح از نظر توانایی تحصیلی برای جلوگیری از سلطه یک فرد بر گروه

- تعیین نقش مشخص برای هر عضو (مدیر گروه، گزارش‌گر، ارائه‌دهنده، ارزیاب)

۲. آموزش مهارت‌های ارتباطی قبل از اجرای روش

- برگزاری جلسات کوتاه درباره گوش دادن فعال، احترام به دیدگاه دیگران، و ارائه مؤثر

- تمرین های عملی برای تقویت مهارت گفت و گو و همکاری

۳. استفاده از ابزارهای دیجیتالی

- بهره گیری از پلتفرم های آموزشی گروهی مانند Google Classroom یا Padlet برای

تعامل خارج از کلاس

- ضبط ارائه های گروهی برای بازبینی و بازخورد

۴. ارزیابی چندلایه

- ترکیب ارزیابی فردی، گروهی و هم سالان برای سنجش دقیق تر یادگیری

- ارائه بازخورد کتبی و شفاهی از سوی معلم و اعضای گروه

• پیشنهادات کاربردی برای ارتقای روش یادگیری در حد تسلط

۱. طراحی مسیر یادگیری شخصی سازی شده

- استفاده از نقشه های یادگیری که مسیر آموزشی را برای هر دانش آموز مشخص می کند

- ارائه منابع تکمیلی برای دانش آموزان با سرعت یادگیری متفاوت

۲. ارزشیابی های مرحله ای با بازخورد فوری

- طراحی آزمون های کوتاه پس از هر بخش آموزشی

- ارائه بازخورد دقیق و راهکارهای اصلاحی بلافاصله پس از ارزشیابی

۳. استفاده از فناوری برای یادگیری مجدد

- بهره‌گیری از ویدئوهای آموزشی، آزمون‌های آنلاین و بازی‌های یادگیری برای تقویت مفاهیم

- ایجاد بانک تمرین‌های قابل تنظیم برای سطوح مختلف یادگیری

۴. تقویت انگیزه از طریق موفقیت‌های کوچک

- ثبت و نمایش پیشرفت مرحله‌ای دانش‌آموزان در نمودارهای انگیزشی

- استفاده از نظام پاداش غیرمادی مثل تحسین، امتیاز، یا مسئولیت‌های افتخاری

• پیشنهاد ترکیبی برای مدارس

- اجرای مدل تلفیقی که در آن آموزش مفاهیم پایه با روش یادگیری در حد تسلط انجام شود و سپس مرور و تثبیت مطالب با روش جیگ‌ساو صورت گیرد

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان درباره طراحی و اجرای این دو روش

- تهیه راهنمای عملی برای والدین جهت حمایت از یادگیری در خانه

• جمع بندی نهایی پیشنهادات کاربردی

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، روشن شد که هر دو روش تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط ظرفیت بالایی برای ارتقای کیفیت آموزش در دوره ابتدایی دارند. با این حال، اثربخشی این روشها در گرو اجرای صحیح، طراحی دقیق و توجه به ویژگیهای روان شناختی و اجتماعی دانش آموزان است. بنابراین، پیشنهادهای زیر به عنوان راهکارهای عملی برای بهبود فرآیند تدریس و یادگیری ارائه می شوند:

- برای روش جیگ ساو: پیشنهاد می شود معلمان با طراحی گروه های هدفمند، آموزش مهارت های ارتباطی، استفاده از فناوری های آموزشی و ارزیابی چندلایه، فضای یادگیری مشارکتی را به صورت مؤثر و پایدار در کلاس درس پیاده سازی کنند. این روش به ویژه برای تقویت تعامل اجتماعی، انگیزه تحصیلی و مشارکت فعال دانش آموزان بسیار مناسب است.

- برای روش یادگیری در حد تسلط: توصیه می شود مسیرهای یادگیری شخصی سازی شده طراحی شود، ارزشیابی های مرحله ای با بازخورد فوری اجرا گردد، و ابزارهای دیجیتال برای یادگیری مجدد بهره گرفته شود. این روش برای کاهش تفاوتهای فردی، افزایش تسلط مفهومی و ارتقای اعتماد به نفس تحصیلی دانش آموزان بسیار مؤثر است.

- در سطح مدرسه و نظام آموزشی: پیشنهاد می شود کارگاه های آموزشی برای معلمان برگزار شود، راهنمای عملی اجرای این دو روش تدوین گردد، و مدلهای تلفیقی از هر دو روش در برنامه درسی مدارس گنجانده شود. همچنین، مشارکت والدین در فرآیند یادگیری از طریق آموزش های خانگی و ارتباط مستمر با مدرسه تقویت گردد.

در مجموع، اجرای این پیشنهادات می تواند زمینه ساز تحول در شیوه های تدریس، افزایش کیفیت یادگیری، و رشد همه جانبه دانش آموزان در دوره ابتدایی باشد.

• پیشنهادات برای تحقیقات آینده

۱. بررسی اثربخشی در پایه های تحصیلی مختلف:

پژوهش حاضر برپایه ششم ابتدایی متمرکز بود. پیشنهاد می شود اثربخشی این دو روش در پایه های دیگر مانند دوره متوسطه اول و دوم، یا حتی در آموزش عالی بررسی شود تا میزان تطبیق پذیری آنها در سنین و سطوح مختلف مشخص گردد.

۲. مقایسه در دروس گوناگون:

تحقیق حاضر در درس علوم اجرا شد. پیشنهاد می شود مطالعاتی در دروس دیگر مانند ریاضی، فارسی، مطالعات اجتماعی یا زبان انگلیسی انجام گیرد تا مشخص شود کدام روش در کدام حوزه درسی اثربخش تر است.

۳. بررسی تأثیرات بلندمدت:

پژوهشهای آینده می توانند به بررسی پایداری یادگیری و یادداری بلندمدت در دانش آموزانی که با این روشها آموزش دیده اند بپردازند. آیا یادگیری حاصل از جیگ ساو یا یادگیری در حد تسلط در طول زمان حفظ می شود؟

۴. تحلیل روان شناختی و رفتاری:

پیشنهاد می شود تحقیقات آینده به بررسی تأثیر این روشها بر عوامل روان شناختی مانند اضطراب امتحان، عزت نفس، خود کارآمدی تحصیلی و نگرش نسبت به مدرسه پردازند.

۵. بررسی نقش جنسیت و تفاوت های فرهنگی:

مطالعه تفاوت های احتمالی در اثربخشی این روش ها بین دانش آموزان دختر و پسر یا در مناطق شهری و روستایی می تواند به طراحی آموزشی دقیق تر کمک کند.

۶. تلفیق با فناوری آموزشی:

پیشنهاد می شود پژوهشهایی انجام شود که این دو روش را با ابزارهای دیجیتال مانند کلاسهای آنلاین، اپلیکیشن های آموزشی، یا واقعیت افزوده ترکیب کنند و اثربخشی آنها را در محیط های یادگیری نوین بسنجند.

۷. بررسی دیدگاه معلمان و والدین:

تحقیقات آینده می توانند به بررسی نگرش معلمان، مدیران و والدین نسبت به این روش ها پردازند و موانع اجرایی یا عوامل تسهیل کننده را شناسایی کنند.

این پیشنهادات می توانند مسیر پژوهش های آتی را روشن تر کنند و به توسعه علمی و عملی روشهای تدریس در نظام آموزشی کشور کمک نمایند.

• محدودیت‌های تحقیق حاضر

۱. محدودیت در تعمیم‌پذیری نتایج:

پژوهش حاضر تنها بر روی دانش‌آموزان پایه ششم در ناحیه ۲ کرمانشاه انجام شده است. بنابراین، نتایج آن ممکن است به سایر پایه‌های تحصیلی، مناطق جغرافیایی یا گروه‌های سنی قابل تعمیم نباشد.

۲. محدودیت در حجم نمونه:

با وجود تلاش برای انتخاب نمونه‌ای مناسب، حجم نمونه (۸۰ نفر) نسبتاً محدود بوده، و ممکن است، نتواند تمام تنوع‌های فردی، فرهنگی و آموزشی موجود در جامعه آماری را پوشش دهد.

۳. محدودیت در زمان اجرای آموزش:

مدت زمان اجرای آموزش با روشهای جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط محدود به چند جلسه درسی بود. این زمان ممکن است برای بروز کامل اثرات آموزشی کافی نباشد و نتایج بلندمدت را منعکس نکند.

۴. تأثیر عوامل بیرونی کنترل‌نشده

عواملی مانند حمایت والدین، شرایط روحی دانش‌آموزان، تفاوت‌های معلمان در اجرای روش‌ها، و محیط فیزیکی کلاس ممکن است بر نتایج تحقیق تأثیر گذاشته باشند، اما کنترل کامل آن‌ها امکان‌پذیر نبوده است.

۵. محدودیت در ابزار سنجش:

ابزارهای مورد استفاده مانند آزمونهای معلم ساخته و پرسش‌نامه‌های انگیزشی، با وجود تأیید روایی و پایایی، ممکن است نتوانند تمام ابعاد یادگیری، انگیزه و تعامل اجتماعی را به‌طور دقیق اندازه‌گیری کنند.

۶. محدودیت در اجرای کامل روش‌ها

اجرای دقیق و استاندارد روش جیگ‌ساو و یادگیری در حد تسلط نیازمند آموزش تخصصی معلمان و زمان کافی است در برخی موارد، محدودیتهای اجرایی مانند کمبود منابع، زمان یا تجربه معلم ممکن است بر کیفیت اجرای روش‌ها تأثیر گذاشته باشد.

منابع و مآخذ

۱- افسری، فاطمه؛ یعقوبی، فرحناز؛ کاردگر بالادهی، محمدرضا؛ محمدی، میمنه (۱۴۰۲). بررسی تأثیر روش تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. اولین همایش بین المللی جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش. دریافت مقاله از سیویلیکا.

۲- حیدری، سحر (۱۳۸۹). مقایسه تأثیر روشهای تدریس جیگ ساو، سخنرانی و رایج برانگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه دوم راهنمایی شهرستان پاوه. دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

۳- دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر روش تدریس جیگ ساو و یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ناحیه ۲ بندرعباس در درس علوم. پایان نامه کارشناسی ارشد.

۴- کشاوری، زهرا (۱۴۰۱). مقایسه تأثیر روش تدریس جیگ ساو و روش تدریس یادگیری در حد تسلط بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان ممسنی. چهارمین همایش ملی پژوهشهای حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم. لینک مقاله در سیویلیکا

۵. Aronson, E. (۱۹۷۸). *The Jigsaw Classroom*. Beverly Hills: Sage Publications

۶. Bandura, A. (۱۹۷۷). *Social Learning Theory*. Prentice-Hall.

۷. Bloom, B. S. (۱۹۶۸). *Learning for Mastery*. UCLA Evaluation Comment

۸. Deci & Ryan. (۱۹۸۵). *Intrinsic Motivation and Self-Determination in Human Behavior*

۹. Guskey, T. R. (۲۰۰۷). *Closing Achievement Gaps: Revisiting Benjamin Bloom's "Learning for Mastery"*. *Journal of Advanced Academics*

Johnson & Johnson. (۲۰۰۰). *Cooperative Learning and Social Skills Development*. ۱۰

Piaget, J. (۱۹۷۰). *Science of Education and the Psychology of the Child*. Orion Press. ۱۱

۱۲. Slavin, R. E. (۱۹۹۵). *Cooperative Learning: Theory, Research, and Practice*. Allyn & Bacon.